بنام خدا

وزارت معارف

دارالمعلمین و انستیتیوت عالی عمران اخک

نقش همسالان، خانواده و جامعه در تعلیم و تربیت

ترتیب کننده گان : آمنه، مستوره ، مژگان

تحت نظر: استاد ماه زاده

سال : 1393 بهار

فهرست

الف: نقش خانواده در تعلیم و تربیه

ب: نقش همسالان در تعلیم و تربیه

ج: نقش اجتماع در تعلیم و تربیه

د:نقش حکومت در تعلیم و تربیه

و: نقش دوستان و همسالان در تعلیم و تربیت

ه: تأثیر ارتباط و دوستی بر کودکان و نوجوانان

ی:والدین وروابط همسالان

نقش خانواده :

[](http://www.ettelaat.com/etiran/wp-content/uploads/picdata/2013/10/10-12/20-39-13.jpg)

خانواده به عنوان اولين نهاد اجتماعي، نقشي اساسي در پرورش ابعاد جسمي و روحي فرد دارد.

از نظر شهيد بهشتي بي‌توجهي به نيازهاي جسمي از سوي خانواده‌ها ناشي از فقر فرهنگي و اقتصادي آنهاست كه خود زمينه آسیب‌های  گوناگون را فراهم مي‌كند. ايشان مي‌فرمايند: «خانواده‌اي است از نظر اقتصادي با درآمد كم، از نظر وقت و فراغت پدر و مادر با فراغت و وقت كم و محدود، از نظر امكانات تامين حداقل خوراك و پوشاك و فرهنگ و بهداشت براي بچه‌ها كم بضاعت. در چنين خانواده‌اي فرزندان دچارآسیب‌های  گوناگون،آسیب‌های جسمي كه در روح موثر است و آسیب‌های  رواني و اخلاقي و تربيتي مي‌شوند.»

از طرف ديگر، شهيد بهشتي معتقد است كه الگوپذيري كودك، فضايي را ايجاد مي‌كند كه خانواده مي‌تواند با تكيه بر آن، زمينه پرورش عادت‌ها، خصلت‌ها و خلقيات پسنديده را فراهم نمايد. آنها مي‌توانند با رفتار خود و با هوشياري، زمينه را براي آموزش مفاهيم ديني مهيا سازند.

از نظر شهيد بهشتي بسياري از ضعيف‌هاي تربيتي كه در بزرگسالان ديده مي‌شود، حاصل تربيت‌هاي ناخواسته والدين بوده است. به عنوان مثال از علل عمده‌اي كه بچه‌ها تارك‌الصلوه مي‌شوند و يا به نماز اهميت نمي‌دهند،اين است كه پدرشان با نماز چنين برخورد مي‌كرده است.

از ديگر مسائل مرتبط در محيط خانواده، تعارض ميان دو نسل است. شهيد بهشتي با تبيين ويژگي‌هاي جوانان و نوجوانان از قبيل حق‌گرايي، حق‌دوستي، خيردوستي و عدل‌دوستي، اين ويژگي‌ها را در اغلب جوانان بيشتر از ساير افراد و آن را زمينه مساعد خدادادي براي بهره‌گيري شايسته مي‌‌داند و بي‌توجهي به آن را تيره‌بختي مي‌نامد. براساس تبيين وي، جوانان مي‌خواهند مطابق گرايش فطري خود به حق عمل كنند و آن را در والدين نيز مشاهده نمايند، ولي نسل قديم، ترمز نسل جديد مي‌شود و اجازه بالندگي و رشد را به او نمي‌دهد. اين در حالي است كه اسلام اين درگيري‌ها را نه تنها شوم و بد تلقي نمي‌كند كه آن را عامل تكامل، تحرك و پويايي جامعه ، معرفي مي‌نمايد.

نقش همسالان و رسانه ها :

تاثير گروه دوستان و همسالان در شخصيت و جامعه‌پذيري افراد نقش تعيين‌كننده‌اي دارد. والدين بايد در انتخاب دوست براي فرزندانشان مشاركت فعال داشته باشند. آنان به حكم طبيعت به دنبال همبازي و رفيق مي‌روند. اگر خانواده براي آنها هميار و رفيق متناسب با معيارهاي تعليم و تربيت اسلامي تامين نكند، به سراغ دوستان فاسد مي‌روند و تلاش خانواده در تربيت آنها خنثي و يا كم‌اثر مي‌شود

از ديگر سو، نقش رسانه‌ها، به‌ويژه رسانه‌هاي جمعي سمعي و بصري در تكوين شخصيت آحاد جامعه به‌خصوص نوجوانان، نقشي غيرقابل انكار است،  چنان كه شهيد بهشتي با اشاره به اهميت آن مي‌فرمايند: «هر قدر به گوش او (دانش‌‌آموز) بخوانيم (تبليغ كنيم)، او يك خبر در روزنامه مي‌خواند، يك تصوير در روزنامه مي‌بيند، يك گزارش در تلويزيون مي‌بيند، يك فيلم در جايي مي‌بيند،از زندگي ديگران و وضع ديگران و شكل كار ديگران مطلع مي‌شود و دلش در خانه ديگران است.»

نقش اجتماع :

شهيد بهشتي با تاكيد بر نقش ويژه محيط اجتماعي بر چگونگي تربيت و تاثيرگذاري آن مي‌فرمايند : «همان طور كه يك گل خوش‌بوي لطيف نازك، خيلي زودتر در برابر عوامل فساد متاثر و منفعل مي‌شود و به فساد و پژمردگي مي‌گرايد، روح لطيف آدمي به‌مراتب از جسم او براي آلوده شدن حساس‌تر و آماده‌تر است و به دليل خاصيت قبول و انفعالش ضمانت بيشتري مي‌خواهد تا در برابر عوامل فساد محيط مصون بماند».

در نظام اسلامي شرايط به‌مراتب بهتر و مقبول‌تر از اجتماعات ديگر است، زيرا در اين نظام است كه هرگونه آزادي كه زمينه‌ساز فساد محيط باشد، ممنوع است، زيرا:«اين نوع آزادي زمينه اجتماعي را براي آسان‌تر شدن نفوذ فساد در انسان‌هاي ديگر و به بي‌راهه كشاندن انسان‌هاي ديگر آماده مي‌سازد و نظام اسلامي در اداره جامعه بايد مواظب اين انحراف باشد».

نقش حکومت :

پس از آن به بخشي از جامعه به نام حكومت مي‌رسيم كه مي‌تواند بزرگ‌ترين كمك باشد و يا بالعكس، بيشترين آسيب‌ها را بر تربيت و پرورش ديني وارد كند. حکومت‌ها به فكر و عمل جامعه جهت و باورهاي خود را در ميان مردم گسترش مي‌دهند، چنانكه حضرت علي (ع) در اين باره مي‌فرمايند: «مردم در روش‌هاي اخلاقي و صفات اجتماعي به حکومت‌هاي خود بيشتر شباهت دارند تا به پدران خويش»؛بنابراين:«اگر حكومت، حكومتي باشد كه سرشتش، سرشت عدل، حق، خدانگري، خداخواهي، خدمت به خلق خدا نباشد،اين باورها قادر به رشد كردن و باليدن در آن جامعه نمي‌شوند.» از سوي ديگر آن زمان كه حكومت، حكومت اسلامي باشد و مومنان قدرت را در دست بگيرند، تربيت ديني ممكن است از ناحيه‌اي ديگر آسيب ببيند. به عقيده ايشان اگر در حكومت ديني و اسلامي، تلاش و كوششي، جهاد و جنبشي در راه آرمان‌ها و باورهاي ديني صورت نگيرد، نه تنها ديگران، بلكه مردم جامعه اسلامي نيز از آن رويگردان مي‌شوند و زمينه انحراف جوانان فراهم مي‌شود.

به عقيده صاحب‌نظران تعليم و تربيت، غيرعقلاني معرفي كردن معارف و احكام ديني از سوي حكومت و بزرگان، پيامدهاي خطرناكي دارد،از جمله آنكه باعث مي‌شود تربيت ديني بر پايه‌هاي سست و لرزان بنا شود و عدم تقيد به احكام اسلامي را به دنبال دارد.

 شهيد بهشتي در بيان اين معضل مي‌فرمايند: «تجربه نشان داده است آدم‌هاي خيلي متدين كه سعي دارند مطابق با قالب‌هاي شريعت زندگي كنند، اگر بي‌دين شوند، كثيف‌ترين، رذل‌ترين و ناجوانمردترين انسان‌ها از آب در ‌مي‌آيند. اين در حالي است كه در افراد ديگري كه به خدا و دين و پيامبر و قرآن معتقد نيستند، يك نوع جوانمردي، ادب، عاطفه و نيكي، قابل رويت است.

نقش دوستان و همسالان :

تا قبل از یک سالگی به ندرت ارتباطی معنی دار بین کودکان برقرار می شود. کودکان ده ماهه به گونه ای با یکدیگر برخورد می کنند که انگار عروسک اند، برای هم صدا در می آورند، موهای همدیگر را می کشند یا اعتنایی به یکدیگر نمی کنند. از حدود دو سالگی به بعد اولین ارتباط های معنی دار میان کودکان ایجاد می شود. البته دوام این ارتباط ها بسیار اندک است و در حد چند دقیقه بازی با یکدیگر باقی می ماند.  
در سنین دبستانی و پیش دبستانی، کودکان علاقه مند به برقراری ارتباط با همسالانی اند که شاد و زیبا باشند و اسباب بازی ها، خوراکی ها و وسائل خود را در اختیار آنها قرار دهند. ارتباط و دوستی های این دوره حالت موقت و گذرا داشته، به سرعت شکل می گیرند و سریعاً تغییر می کنند. ویژگی های ارتباطات خاص این دوره تقریباً مطابق رشد اخلاقی کودکان این دوره است ( پیش قراردادی). کودک پایبندی مداوم به ارتباطات خود ندارد، به راحتی دوستانش را کنار می گذارد بدون این که علت خاصی وجود داشته باشد و درک عمیقی از دوستان، صمیمیت و ارتباط متقابل ندارد.  
در سال های میانه و پایانی کودکی ارتباط براساس کمک به یکدیگر و رفع نیازهای هم شکل می گیرند و اعتماد به هم نقش مهمی در تداوم آن ایفا می کند. کودکان درکی ذهنی از دوستان پیدا می کنند و دوستان تنها اشخاصی نیستند که با هم بازی می کنند، بلکه کسانی اند که ویژگی ها و مشترکات خاصی بین آنها برقرار است که یکی از آنها دوست داشتن همدیگر است.  
در دوران نوجوانی، همسالان مهم ترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد بازی می کنند. نوجوانان برای این که بتوانند هویتی مستقل از والدین پیدا کنند باید ارتباطی صمیمی و متقابل با همسالان خود برقرار نمایند. ارتباط و دوستی دوران نوجوانی دارای این مشخصه هاست: دوستان ، یکدیگر را درک می کنند ؛ افکار و احساسات عمیق و درونی خود را با یکدیگر در میان می گذارند، برای حل مسائل و مشکلات روانی خود به یکدیگر کمک می کنند و سعی دارند باعث دردسر و مشکل برای دوستانشان نشوند. سازگاری علائم و شخصیت دو نفر، ملاک انتخاب دوست است و پایان دوستی منوط به عهد شکنی و عدم وفای به عهد یکی از دوستان است .  
تحول و تغییر در استدلال های پنهان مربوط به دوستی با فرد یا اشخاص خاص، با افزایش سن تغییر می یابد. در اولین مرحله رشد دوستی و ارتباط، معمولاً استدلال نهان در ارتباط بین دو کودک و نزدیکی فیزیکی آنها به همدیگر است. یعنی این دو به این دلیل ساده با هم دوست اند که همسایه، دوست خانوادگی، هم مدرسه یا هم کلاس اند. در مرحله دوم کودکان برای این با هم دوست هستند که همسایه، هم کلاس، هم مدرسه و دوست خانوادگی بوده، در ضمن قادرند نیازهای همدیگر را به بهترین وجه رفع نمایند و به هم اعتماد کنند. اما در مرحله سوم دوستی، مهم ترین اصل و دلیل برای دوستی نوجوانان شباهت و ویژگی های شخصیتی، قابل اعتماد بودن دو دوست و پای بندی طرفین به ملاک های مورد قبول در خصوص دوستی است. در همین حال ممکن است نوجوانان باهم همسایه، هم کلاس یا هم مدرسه باشند یا نباشند.

تأثیر ارتباط و دوستی بر کودکان و نوجوانان:

دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به شمار می آیند، می توانند روی یادگیری، پیشرفتِ و تحصیلی و مهارت های کلامی فرد نیز مؤثر باشند. از مهم ترین آثار مثبت همسالان، از بین بردن خودمداری است.  
در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می کند. ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان ، موجب طرد و عدم محبوبیت می شود. شواهد پژوهشی نشان می دهند که دانش آموزان مطرود و فاقد ارتباط افقی سالم، پرخاشگرترند و رفتارهای نامناسب دارند، پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیشتر رنج می برند.  
اگرچه ارتباط و دوستی بین همسالان در تمام دوران کودکی حائز اهمیت است، اما به علت گرایش بسیار شدید نوجوانان به گروه همسالان، در این دوره اهمیت بیشتری می یابد. دوستی دوره کودکی، تنها رفاقت ساده ای است که بر اثر اشتراک عادات و به خصوص بازی ایجاد می شود. از حدود یازده سالگی به بعد این دوستی ها محکم تر و جنبه انتخابی آنها بیشتر می شود. در دوره بلوغ و نوجوانی ، دوستی ریشه عمیق تری می یابد و با شور و هیجان توأم می شود. در این دوران، دوست حامی " من"  یا به عبارت صحیح تر، یک من دیگر است و مانند آینه ، تصویر اطمینان بخشی به نوجوان می نمایاند. به همین سبب پیوندهای دوستی در شخصیت نوجوان تأثیر بسیار می گذارند و قطع آنها موجب وارد آمدن لطمه به شخصیت نوجوان می شود. دوستان نزدیک از طرفی به رشد نوجوان کمک می کنند و از طرف دیگر این امکان را فراهم می آورند که احساسات سرکوب شده خود اعم از خشم و هیجان را ابراز کند و نوجوان درمی یابد که دیگران هم امیدها و ترس هایی نظیر او دارند. دوستی های نزدیک به نوجوانان این آزادی را می دهد که از یکدیگر انتقاد کنند و به همین دلیل می آموزند که رفتار، علایق یا عقاید خود را اصلاح کنند، بی آن که از سوی سایرین طرد شوند. این نوع دوستی ها به نوجوان کمک می کند تا هویت خود را پیدا کنند، احساس اعتماد به نفس کرده، به هویت خود افتخار نماید. دوستی های دوره نوجوانی چون با عواطف و احساسات شدید توأم هستند، زودتر از بین می روند. نوجوانانی که مشکلات شخصی بسیار دارند به دوستان نزدیک نیازمندترند، اما توانایی چندانی برای حفظ دوستی ندارند. با ثبات ترین نوع دوستی هم بین نوجوانان گاهی شدت و ضعف پیدا می کند، به این دلیل که هر یک از طرفین در دوره ای است که نیازها، احساسات و مشکلاتش مدام تغییر می کند.  
تجارب همسالان در دوران کودکی و نوجوانی با سازگاری بعدی آنها مرتبط است. کسانی که در دوران کودکی و نوجوانی دچار مشکلات ارتباطی ( اعم از ضعف در برقراری ارتباط، ارتباط بیمارگون و ...) باشند در بزرگسالی نیز مشکلاتی مانند اختلال شخصیت ، دوری گزینی، بزهکاری، پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی خواهند داشت.  
در کل، همسالان امکانات یادگیری مهارت های اجتماعی، کنترل رفتار، انتقال ارزش های اجتماعی، کمک به رشد هویت فردی و استقلال از والدین را فراهم می آورند.

والدین و روابط همسالان :

در دوران کودکی و پیش از نوجوانی ، فرد وابستگی عمیق به خانواده دارد و کلیه تعاملات و ارتباطات وی در چارچوب و تحت نظر خانواده صورت می گیرد و به علت عدم تداوم دوستی ها، ارتباط همسالان هیچ مشکلی ایجاد نمی کند. خانواده کنترل مستقیم روی رفتارها و ارتباطات فرزند خود با سایر دوستان اعمال می کند، به راحتی در دوستی های کودکان دخالت و اعمال نظر می کند و حتی درمورد نوع ارتباط و میزان ارتباط برای فرزندان خود حد و حدودی مشخص می نماید. اما در دوران نوجوانی، پیوند بین والدین و نوجوانان شروع به ضعیف شدن می کند و در مقابل ، ارتباط بین همسالان و دوستان افزایش می یابد. اغلب پدران و مادران این نفوذ فزاینده را تهدیدی برای خود به حساب می آورند و معتقدند که ارتباط زیاد فرزندان آنها با دوستان و همسالانشان ممکن است به ارزش های خانوادگی آسیب برساند، یا محبت و عشق را که حق آنهاست و باید فرزندشان نثار آنها کند از آنان دریغ می کند. اما چنین نیست. تحقیقات متعدد ثابت کرده اند که همسالان ارزش های خانواده را تأیید می کنند. گرچه ممکن است همسالان برخی مسائل را بزرگ کنند و بر اختلاف سلیقه بین والدین و فرزندان بیفزایند، اما به ندرت می توانند مشکل آفرین شوند.اعمال کنترل شدید و دخالت های نابجای والدین در ارتباطات سالم فرزندان ، خود مهم ترین عامل مشکل ساز است. والدین می توانند با ایجاد ارتباط قوی ( از طریق درک نیازهای نوجوانان، اشتیاق در کمک به آنها واجازه دادن برای بروز احساسات خشم، خصومت، محبت و عشق آنها) با فرزندان خود، نظارت و کنترل غیر مستقیم بر دوستی ها و ارتباطات آنها اعمال نمایند و در ضمن موضع برتر خود را نزد نوجوان حفظ کنند. شک کردن به دوستی های سالم بین نوجوانان باعث بروز اختلاف بین والدین و فرزندان و حرارت بخشیدن به دوستی خواهد شد. اگر والدین به نوجوانان فرصت دهند تا با همسالان خود مشکلات ناشی از بلوغ را حل کنند، از حرارت و حدّت ارتباط هایشان کاسته خواهد شد.بهترین روش برای کنترل ارتباطات نوجوان این است که والدین طی مراسمی یا یک دعوت ساده با دوستان آنها آشنا شوند و بفهمند دوست آنها کیست . اطلاع از علایق و خواست های دوست نوجوان می تواند به اولیا کمک کند تا فرزندشان را بهتر درک کنند. در موارد بسیاری علت گرایش بیش از حد نوجوان به همسالان ، ناشی از توجه ندیدن در خانواده است. توجه و محبت کافی به فرد که متناسب با سن وی باشد و او را به دوران جوانی و بزرگسالی رهنمون شود بهترین نوع توجه است. نوجوان در این سن مشاور است و دارای آن پختگی عقلی است که بتواند در مورد مسائل خود تصمیم گیرد و در سایر تصمیم گیری های خانواده شرکت کند. این برخورد به نوجوان کمک خواهد کرد تا ضمن رسیدن به استقلال، در کسب یک هویت موفق توفیق یابد.



**منابع**

**قرآن كريم**

**۱-     حاجي ده‌آبادي، محمدعلي، آسيب‌شناسي تربيت ديني، پايان نامه كارشناسي ارشد، قم ، پژوهشكده حوزه و دانشگاه**

**۲-     حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، آزادي، هرج و مرج، زورمداري، تهران، نشر بقعه، ۱۳۸۲.**

**۳-     حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، بايدها و نبايدها، تهران، نشر بقعه، ۱۳۸۰.**

**۴-     حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، عدالت و حق و باطل از ديدگاه قرآن ، تهران ، نشر بقعه ۱۳۸۲.**

**۵-     حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، سرود يكتاپرستي، تهران ، نشر بقعه، ۱۳۷۹**

**۶-      حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، نقش آزادي در تربيت كودكان، تهران، نشر بقعه، ۱۳۸۱**

**۷-     حسيني بهشتي، سيدمحمد و ديگران، ولايت، رهبري و روحانيت، تهران ، نشر بقعه، ۱۳۸۱**

**۸-     دلبري، سيدمحمد، آسیب های  تربيت ديني از نظر شهيد بهشتي، تهران ، ۱۳۸۶ ، همايش آموزش و پرورش.**

**۹-     شريفي، علي ، پايبندي جوانان به ارزشهاي ديني، پايان نامه كارشناسي ارشد، دانشگاه شيراز ، ۱۳۸۱**